**باب دوم - دربارۀ نعاق ناعقین**

جناب اسم الله الاصدق علیه بهاء الله

**بسمی الدائم الباقی العلیم الحکیم**

ان یا اسمنا الاصدق قد شربت رحیق اللقاء اذ کان مالک الاسماء فی الزوراء و مرة اخری کوثر الحیوان اذ کان ملیک الامکان فی هذا السجن العظیم قد توجهت الی الله باذن من عنده و اقبلت الی مقبل العالم الی ان دخلت فسطاط القدم الذی فیه ارتفع نداء الله رب العالمین و حضرت لدی العرش و سمعت و رأیت ما هو المسطور فی لوح الله ربک العلی العظیم فطفت عرش الله من قبل الذین اقبلوا الیه و آمنوا به اذ ظهر بسلطان مبین کل ذلک من فضله علیک انه لهو الغفور الکریم ان ارجع الی الدیار بنفحات الله و آیاته و ذکر الاحباب من لدن ربک العلیم الخبیر لا تنس ما وصیناک فی الحضور ان اعمل بما امرت به ان ربک لهو السمیع البصیر الحمد لله

از فضل نامتناهی الهی بشطر اقدس وارد شدی و شهور متوالیه در ظل سدرهء ربانیه مستریح بودی وصایای الهیه که از لسان عظمت اصغا نمودی بکل برسان تا جمیع باخلاق روحانیه و اعمال مقدسه مزین شوند افضل جمیع اعمال الیوم استقامت بر امر الله بوده بشأنیکه اوهام نفوس مدعیهء موهومه احبای حق را از شطر احدیه منع ننماید دو مجهول در گیلان رفته و ادعای حقیقت نموده اند و بعضی عبارات مجعوله سقیمه گفته اند و جمعی متابعت آن نفوس نموده و این متابعت بر غرور آن دو نفس و غفلتشان افزود تا آنکه بعضی از نفوس موقنه در آن ارض وارد و بکلمات طیبه آن نفوس غافله را از نوم غفلت بیدار نمودند اگر فضل الهی اعانت نمینمود کل بنیران راجع میشدند نسئل الله بان یطهر الارض من هؤلاء قسم بآفتاب مشرق از افق امر که ضر امثال این نفوس اعظم است از ضر مشرکین و منکرین چه که این امور سبب اختلاف و اضطراب و فساد بوده و خواهد بود نسئل الله بان یسلط علیهم من لا يرحمهم انه لهو المقتدر القدیر و فی الحقیقه اینگونه امور از احباب احداث میشود چه که متابعت ایشان امثال این نفوس را سبب میشود که بر خود نفوس مدعیه امر مشتبه میگردد در حین توقف در عراق و ارض سر و اول ورود در سجن اعظم کل را اخبار نمودیم بارتفاع نعاق ناعقین در اکثر مدن و دیار نسئل الله بان یحفظ احبائه من شر هؤلاء و یجعلهم مستقیمین علی شأن لا يغیرهم نعاق کل ناعق و لا يزلهم اوهام المریبین الحمد لله رب العالمین” انتهی